

خبر

رهبر گروه تحریرالشام در حال توسعه «امپراتوری» خود

● تلاش‌های رهبر گروه تحریرالشام برای توسعه دایره نفوذش در شمال سوریه و تحمیل خود به‌عنوان تنها رهبر در آنجا، تنها به جذب هم‌پیمانان آنکارا در گروه‌های شبه‌نظامی و نزدیک‌شدن به آمریکا با ارائه اطلاعات مورد نیاز عملیات‌هایش محدود نبوده و شامل تلاش برای تقویت شبکه اقتصادی ویژه‌ای می‌شود که در سال‌های گذشته آن را ایجاد کرده و میلیون‌ها دلار برای آن به ارجحان آورده است.

به گزارش ایسنا، به نوشته روزنامه الاخبار چاپ لبنان، ابومحمد الجولانی، رهبر گروه تحریرالشام (جبهه النصره سابق)، هیچ راهکاری برای توسعه دایره نفوذ و کنترل خود در شمال سوریه ندارد و در حال حاضر از شرایط آشوب‌زده‌ای که در مناطق تحت نفوذ گروه‌های وابسته به ترکیه وجود دارد، استفاده می‌کند. در این چارچوب، برخی منابع محلی در ادلب به الاخبار گفته‌اند: الجولانی اوایل ماه جاری میلادی به مناطق غربی از حفاصل اراضی تحت کنترل خود و اراضی اشغال‌شده از سوی ترکیه در شمال ادلب و غرب حلب رفت و بهانه‌اش بـی‌راي این اقدام، بررسی وضعیت اردوگاه‌ها بود؛ اما به گفته همین منابع، الجولانی در این سفر با مسئولان گذرگاه‌های وابسته دیدار کرده و آنها را در جریان مجموعه‌ای از قوانین جدید برای کارشان قرار داد که از مهم‌ترین آنها این است که «خودروهایی که از مناطق تحت کنترل دولت ترکیه به مناطق تحت کنترل تحریرالشام می‌آیند، باید تقریباً خالی از سوخت باشند». همچنین او بر ممنوعیت ورود هرگونه ماده‌ای از مسیری به غیر از گذرگاه‌ها تأکید کرد؛ در واقع بابت عبور هر کامیون تجاری از هر نوع و با هر حجم باری از این گذرگاه‌ها، باید هزینه سنگینی پرداخت شود و علاوه بر آن، تمام این تاجران برای ادامه کار خود با رهبران تحریرالشام ارتباطاتی دارند. پس از این سفر الجولانی، گزارش شد ک ز ن که قصد عبور از گذرگاه «اطمه-دبیر بلوط» (دبیر بلوط منطقه‌ای تحت کنترل فیلق‌الشام وابسته به آنکاراست) را داشته، به بهانه مبارزه با قاچاق سوخت کشته شده است. در پی این اقدام، تظاهرات‌هایی علیه تحریرالشام در اردوگاه اطمه و روستای دیرحسان برپا شدند. به نظر می‌رسد یکی از قوانینی که الجولانی برای نیروهای خود وضع کرده، قتل هر فردی است که قصد خارج‌کردن هر مقداری سوخت را از محدوده اراضی تحت کنترلش داشته باشد. درآمد ماهانه تحریرالشام از گذرگاه‌ها حدود ۱۳ میلیون دلار برآورد می‌شود، اما این مبلغ شامل گذرگاه باب‌الهی در مرز با ترکیه نیست؛ این گذرگاه به تنهایی ماهانه حدود ۴۰ میلیون دلار درآمد برای تحریرالشام دارد و این یعنی مجموع درآمد ماهانه خزانه الجولانی از گذرگاه‌ها به حدود ۵۳ میلیون دلار می‌رسد. آمارها حاکی از این هستند که از سال ۲۰۱۴ حدود ۳۷ هزار دستگاه کامیون حامل کمک‌ها از باب‌الهی وارد شدند. پس از کنترل النصره بر این گذرگاه در سال ۲۰۱۷، الجولانی مکانیسم ویژه خود را برای تقسیم کمک‌ها به نهادهای حامی تحمیل کرد؛ در واقع تشکیلات او از هر کمکی که وارد اراضی تحت کنترلش می‌شود، به بهانه اینکه آنها توسط «دولت نجات» وابسته به این تشکیلات تقسیم می‌شوند، سهم خود را برمی‌دارد که این سهم به‌تازگی به ۳۵ درصد رسیده است.

گفت‌وگوی وزرای خارجه آمریکا و چین درباره تایوان

● پکن روز گذشته هشدار داد تلاش‌های آمریکا برای «مهار» چین با استفاده از تایوان اشتباه است و خاطر‌نشان کرد رقابت کنونی که از سوی واشنگتن به راه افتاده، ممکن است به یک رویارویی و تقابل تبدیل شود. به گزارش ایسنا، به نقل از خبرگزاری اسپوتنیک، «وانگ یی»، وزیر خارجه چین، در جریان گفت‌وگوی تلفنی با هم‌تای آمریکایی خود آنتونی بلینکن گفت تلاش‌های ایالات متحده برای واردکردن تایوان به برنامه هند-پاسیفیک یک سیگنال نادرست است. وانگ افزود: بااین‌حال چین مایل به مدیریت اختلافات خود با ایالات متحده و ثبات روابط دو طرفه است. آمریکا باید آماده ماه جاری میلادی اعلام کرد منابع دیپلماتیک و امنیتی بیشتری را به حوزه هند-اقیانوسیه اختصاص می‌دهد. واشنگتن در عین حال اظهار کرد با شرکایش در داخل و خارج از این حوزه با هدف حفظ صلح و ثبات در تنگه چاکننده تایوان از چین همکاری می‌کند. وانگ یی تأکید کرد چین می‌مایل به مدیریت اختلافات با آمریکا و ثبات‌بخشیدن به روابط دو جانبه است.

بلینکن و وانگ همچنین درباره تحولات کره‌شمالی صحبت کردند. وانگ گفت چین خواستار گفت‌وگوی مستقیم بین ایالات متحده و کره‌شمالی است و مانند همیشه به دنبال ایفای نقشی سازنده در پیشبرد حل مسئله هسته‌ای در شبه‌جزیره کره خواهد بود. وزیر خارجه چین همچنین ضمن ابراز نگرانی پکن نسبت به وحیم‌شدن اوضاع در اوکراین، با تکرار درخواست خود از همه طرف‌ها برای خویشتر‌داری و حل اختلافات از طریق گفت‌وگو گفت: چین نگران وضعیت در اوکراین است. نگرانی‌های امنیتی مشروع هر کشوری باید مورد احترام قرار گیرد.

همان‌طورکه انتظار می‌رفت بدون توجه به هشدارهای آمریکا و سران کشورهای غربی، ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه دوشنبه‌شب دو منطقه جدایی‌طلب دونتسک و لوهانسک را به رسمیت شناخت و تنها ساعتی پس از حکم، خودروهای نظامی و تانک‌های روسی وارد شرق اوکراین شدند؛ اقدامی که به باور بسیاری از تحلیلگران مقدمه آغاز جنگ و تصرف اوکراین است. هرچند ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهوری اوکراین همچنان بر این باور است که هیچ جنگی رخ نمی‌دهد اما او در ادامه سخنانش تأکید کرد اگر روسیه حمله تمام‌عیار به کشورش انجام دهد، سایر مناطق نیز در خطر خواهد بود. او از روسیه خواست تا درگیری در منطقه جدایی‌طلب دونباس را از طریق گفت‌وگو حل‌وفصل کند: «ما همه خطرات را درک می‌کنیم، ما از روسیه می‌خواهیم – و نه برای اولین بار– این موضوع را از طریق گفت‌وگو حل کند. بر سر سیز مذاکره، بنشیند، ما آماده‌ایم در همه فرمت‌ها ملاقات کنیم». او همچنین خواستار تعطیلی کامل خط لوله گازی نورداستریم ۲ روسیه شد که خط لوله‌ای جدید بین روسیه و اروپا محسوب می‌شود. این مسئله در حالی مطرح شده که برخی از کشورهای اروپایی چون آلمان به گاز روسیه به‌شدت وابسته هستند و گمانه‌زنی‌هایی نیز در این‌باره وجود دارد که متحدان غربی فعلاً تحریم‌هایی به مناطق غربی روسیه وضع

جهان

حکم تزار و ضرباهنگ جنگ

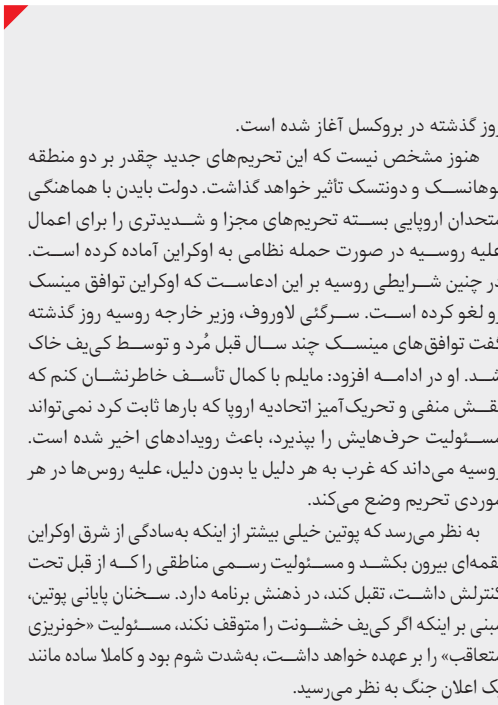


می‌کنند و اگر روسیه دست به حمله‌ای نظامی بزند، این تحریم‌ها تغییر می‌کنند. در همین راستا، جو بایدن رئیس‌جمهوری آمریکا پس از سخنرانی طولانی پوتین، دستور اجرایی را امضا کرد که بر اساس آن سرمایه‌گذاری، تجارت و کمک مالی جدید آمریکا به این دو منطقه ممنوع شد و چند ساعت پس از دستور بایدن، کاخ الیزه هم اعلام کرد که اتحادیه اروپا نیز نهاده‌ها و افراد در روسیه را تحریم خواهد کرد. در بیانیه کاخ الیزه آمده که این فهرست در دست تهیه است و تعدادی از مشاغل در منطقه دونباس را که مستقیماً با منافع روسیه در ارتباط هستند، هدف قرار خواهد داد. طبق اعلام الیزه بررسی این تحریم‌ها از

«دونباس»، میدان بازی کرملین

این آتش‌بس به سرعت نقض و نبردهای خونین دوباره از سر گرفته شد که منجر به شکست بزرگ دیگری برای نیروهای اوکراینی در «بالتسوه» در زانویه تا فوریه ۲۰۱۵ شد.

میانجیگری فرانسه و آلمان باعث امضای یک توافق‌نامه صلح دیگر در فوریه ۲۰۱۵ در مینسک از سوی نمایندگان اوکراین، روسیه و شورشیان شد. آتش‌بس جدید، شامل عقب‌نشینی سلاح‌های سنگین و مجموعه‌ای از اقدامات برای حل‌وفصل سیاسی بحران می‌شد. همچنین بیانیه‌ای در حمایت از این توافق از سوی رهبران روسیه، اوکراین، فرانسه و آلمان امضا شد. توافق صلح ۲۰۱۵ در واقع زمینه‌ساز کودتای دیپلماتیک بزرگ کرملین علیه اوکراین بود و مسکو این کشور را موظف کرد تا به مناطق جدایی‌طلب اختیارات ویژه اعطا کند. حکومت پوتین به شورشیان کمک کرد تا نیروی پلیس خود را ایجاد کنند و در انتصاب دادستان‌ها و قضات محلی هم نفوذ بیشتری داشته باشند. براساس این توافق، اوکراین تنها پس از اعطای خودمختاری به شورشیان و برگزاری انتخابات محلی تحت نظارت سازمان امنیت و همکاری اروپا می‌تواند کنترل حدود ۲۰۰ کیلومتری مرز خود با

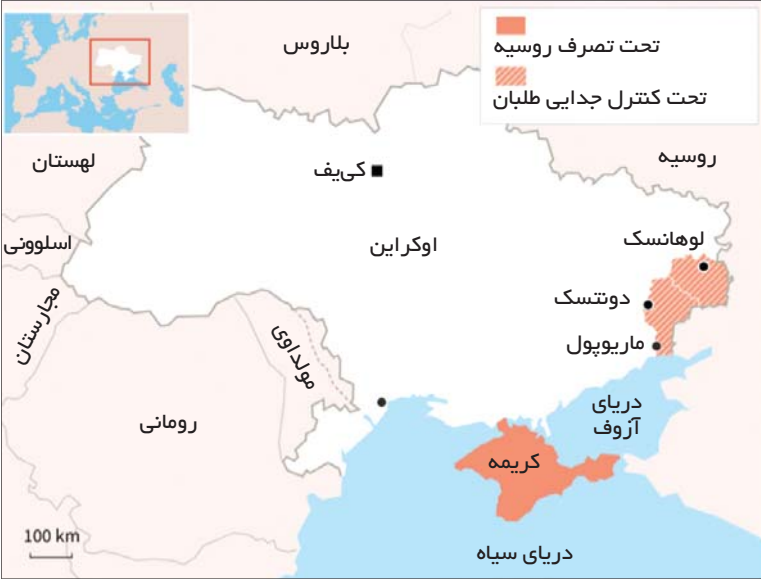


روسیه در مناطق تحت کنترل شورشیان را به دست آورد. این بند از توافق با خشم و اعتراض بسیاری از اوکراینی‌ها روبه‌رو شده و آن را خیانت به منافع ملی می‌دانند و به‌همین‌دلیل اجرای آن متوقف شده است. با متوقف‌شدن اجرای توافق مینسک، امید مسکو برای استفاده از مناطق تحت کنترل شورشیان مورد حمایت خود برای تأثیرگذاری مستقیم بر سیاست اوکراین شکست خورده بود؛ اما در آن سو هم فرسایشی‌شدن درگیری‌ها و فساد داخلی اوکراین، منوع مالی حکومت کی‌یف را تخلیه کرده و عملاً برنامه این کشور را برای پیوستن به ناتو که در قانون اساسی اوکراین ذکر شده، متوقف کرده است. مسکو همچنین با اعطای بیش از ۷۲۰ هزار پاسپورت روسی به تقریباً یک‌پنجم جمعیت ۳.۶ میلیونی دونباس تلاش کرده است تا کنترل

و نفوذ خود بر مناطق شورشی را تضمین کند. حکومت پوتین کمک‌های اقتصادی و مالی زیادی به مناطق جدایی‌طلب ارائه داده است؛ اما این کمک‌ها برای کاهش خسارات عظیم جنگ و تقویت اقتصاد منطقه کافی نبوده است. اقتصاد منطقه دونباس قبل از آغاز جنگ سال ۲۰۱۴ حدود ۱۶ درصد از تولید ناخالص داخلی اوکراین را تشکیل می‌داد. در بحبوحه تنش‌های فزاینده ماه‌ها و هفته‌های اخیر بر سر استقرار نیروهای روسیه در نزدیکی اوکراین، فرانسه و آلمان تلاش‌های جدیدی را برای پایبندی به توافق‌نامه ۲۰۱۵ آغاز کردند، به این امید که بتواند به خروج از بن‌بست فعلی کمک کند. مقام‌های اوکراینی در مواجهه با درخواست‌های برلین و پاریس برای اجرای آن، به‌انتقاد از توافق مینسک پرداختند و آن را زمینه‌ساز از دست‌رفتن استقلال و کنترل کامل روسیه بر این کشور دانستند. در نهایت هم دو دور مذاکرات در پاریس و برلین بین فرستادگان روسیه، اوکراین، فرانسه و آلمان هیچ پیشرفتی نداشت. در همین حال پارلمان روسیه هفته گذشته از پوتین خواست استقلال مناطق تحت کنترل شورشیان در شرق اوکراین را به رسمیت بشناسد و پوتین هم روز دوشنبه و پس از درخواست ویدئویی رهبران شورشیان، استقلال این مناطق را به رسمیت شناخت و دستور ورود نظامیان روسی به خاک اوکراین را صادر کرد. مقدمات این کار هم در روزهای گذشته در حال فراهم‌شدن بود. در روزهای اخیر شورشیان مورد حمایت مسکو دوباره تیراندازی به سمت نظامیان اوکراینی را آغاز کرده بودند؛ اما روسیه ادعا می‌کرد که این درگیری را اوکراین آغاز کرده و قصد دارد برای به‌دست‌گرفتن کنترل بر این مناطق از زور استفاده کند.

روز جمعه هم رهبران جدایی‌طلب با انتشار ویدئوهایی، ادعا کردند که عملیات تخلیه غیرنظامیان در مواجهه با آنچه «تجاوز» اوکراین توصیف کردند، آغاز شده است؛ اما داده‌های این ویدئو نشان می‌دهد که این تصاویر چند روز قبل و زمانی ضبط شده که اوضاع منطقه آرام بوده است. این موضوع نشان از برنامه از قبل طراحی‌شده روسیه و شورشیان مورد حمایت این کشور برای جادکردن بخشی از خاک اوکراین و اعمال کنترل روسیه بر آن مناطق دارد.

به رسمیت شناختن استقلال مناطق تحت کنترل شورشیان از سوی پوتین عملاً توافق‌نامه‌های صلح مینسک را بی‌اعتبار می‌کند و به تنش‌های مسکو با غرب دامن می‌زند. پوتین گفته است که مسکو قراردادهایی را با مناطق شورشی امضا خواهد کرد؛ اقدامی که می‌تواند راه را برای حمایت آشکار علنی نظامی روسیه از این شورشیان هموارتر کند.



جعل تاریخ به روایت پوتین

مردم روسیه، اوکراین امروزی را نادیده گرفت و استدلال کرد که ایجاد اوکراین به عنوان یک کشور مستقل یک ترازدی و اقدامی تصادفی از سوی رهبران شوروی کمونیست در قرن بیستم بود. پوتین به گونه‌ای استدلال رفتار می‌کرد که انگار هرگز بیک اوکراین تاریخی تا زمان اتحاد جماهیر شوروی وجود نداشته است. او ولادیمیر لنین، استالین و در یک مقطع زمانی هم نیکیتا خروشچف را اعطای کریمه به اوکراین مورد انتقاد قرار داد.

با این حال مانند اغلب روایت‌های جعلی تاریخی، در سخنان پوتین هم می‌توان عناصری از حقیقت یافت. اوکراینی‌ها و روس‌ها مردمان اسلاو شرقی هستند که سرنوشتشان در طول تاریخ بارها در هم تنیده و از هم جدا شده است. اما او ترجیح داد بر زمان تسلط حداکثری روسیه بر اوکراین تمرکز کند اما باز هم فراموش کرد که در حال صحبت در مورد سرزمینی است که در ۳۰ سال گذشته یک کشور مستقل بوده که توسط معاهدات بین‌المللی و به صراحت از سوی روسیه به رسمیت شناخته شده است. پوتین اوکراین امروزی را به عنوان یک دست‌نشانده فاسد و ناکارآمد ایالات متحده ترسیم کرده که امنیت روسیه را تهدید می‌کند و بدون اتحاد با روسیه نمی‌تواند حیات داشته باشد. هم اوکراین و هم روسیه، ریشه خود را متعلق به یک فدراسیون آزاد از اقوام اسلاو شرقی، بالتیک و فنلاندی در شرق و شمال اروپا می‌دانند که از اواخر قرن نهم تا اواسط قرن سیزدهم میلادی، تحت سلطنت سلسله روریک بود و بعداً مسیحیت ارتدکس را به عنوان دین رسمی پذیرفت. این سلسله پس از حمله مغولان به اروپا در اوایل قرن سیزدهم سقوط کرد. تمام آنچه اکنون کشور اوکراین است، قرن‌ها بخشی از دوک‌نشین بزرگ لیتوانی در ۱۳۰۰ میلادی بود و بعدها هم اتحادیه لهستان و لیتوانی، یک دولت چندزبانه و چندقومی گسترده شکل داد که قلمرو آن تقریباً تمام لهستان، لیتوانی، بلاروس و اوکراین کنونی و بخش‌هایی از دوک‌نشین کنونی را در بر می‌گرفت. در نواحی شرقی و جنوب شرقی این قلمرو، روسیه‌زبان غالب اتحادیه، لهستانی و روتنی بودند که سلف زبان اوکراینی و بلاروسی امروزی است. غالب جمعیت ساکن این مناطق

نگاه

اوکراین؛ استخوان لای زخم روابط مسکو و کی‌یف



● با گذشت دو دهه از فروپاشی جماهیر اتحادیه شوروی، روسیه تحت تأثیر دو جریان تهدیدکننده منافع و موقعیت خود قرار گرفت: نخست اینکه با گسترش اتحادیه اروپا این کشور منافع خود را در خطر می‌دید و دومین مورد هم مربوط به توسعه ناتو بود که تا پشت مرزهای روسیه پیشروی کرده بود. البته در آن زمان روس‌ها این آمادگی را نداشتند تا بتوانند تحکرات اروپایی‌ها و مخصوصاً هجوم ناتو به سمت مرزهای روسیه را خنثی کنند اما اکنون و به دلیل اینکه در دهه سوم پس از فروپاشی شوروی، نوعی آسودگی خاطر به‌وجودآمده به این تشخیص رسیده‌اند که از توانایی لازم برای جلوگیری از اقدام‌های احتمالی ناتو و اتحادیه اروپا علیه منافع روسیه برخوردار هستند. روسیه با این اقدام خواسته تا مانع رسیدن ناتو به مرز غربی اوکراین با روسیه بشود.

همچنین بر اساس قرارداد ۲۰۱۵ مینسک که با پیشنهاد فرانسه و آلمان و البته با حضور روسیه و اوکراین امضا شد، قرار بر این گذاشته شد تا اوکراین به دو منطقه لوهانسک و دونتسک که از گذشته‌های دور روس‌نشین بودند، خودمختاری داخلی بدهد. اما اوکراین از این اقدام خودداری کرد و از استقلال آنها جلوگیری کرد تا این مسئله به «استخوان لای زخمی بین رابطه روسیه و اوکراین» تبدیل شود. در واقع این قضیه به بهانه‌ای برای تصمیم‌گیران کاخ کرملین تبدیل شد تا ضربه‌ای به دولت اوکراین بزنند؛ بنابراین تصرف لوهانسک و دونتسک توسط روس‌ها، آن‌هم در شرایطی که انجام این اقدام از طرف دولت روسیه قابل پیش‌بینی نبود، درحالی‌حاضر به مقدمه‌ای برای یک حمله نظامی تبدیل شده است.

با توجه به شرایط موجود و موقعیت روسیه در نظام بین‌الملل باید تأکید کرد که این تهاجم نظامی با هیچ متر و معیاری برای روس‌ها مقرون به صرفه نیست. روسیه در سال‌های اخیر در تکنگاه‌های شدید اقتصاد از طرف دولت روسیه قابل پیش‌بینی نبود، می‌تواند وضعیت را وخیم‌تر کند.

قبل از این تهاجم، کشورهایی چون فرانسه، انگلستان و آلمان و حتی ایالات متحده آمریکا، روس‌ها را به اعمال تحریم‌ها در مناطق لوهانسک و دونتسک تهدید کرده‌اند. شرح این شرایط مؤید این موضوع است که به نظر نمی‌رسد روسیه در آینده بخواهد از این طریق وارد فاز درگیری نظامی با اوکراین شود تا از تبعات سنگین و طاقت‌فرسای اعمال تحریم‌ها در امان باشد. بااین‌حال می‌توان گفت روسیه این هدف را بپذیری می‌کند که از آمریکا تضمین قطعی را بگیرد که اوکراین تحت هیچ شرایطی به عضویت ناتو در نخواهد آمد. در حقیقت کشورهایی که در مرزهای‌شان به هر دلیلی احساس خطر می‌کنند، همواره آماده این امر هستند که با یک واکنش نظامی مانع از تهدید امنیت و منافع‌شان شوند. درواقع روسیه هم بنا بر همین اصل نیروهایش را وارد اوکراین کرده و همچنین تعدادی از نظامیان را در مرز اوکراین و بلاروس نگه داشته است تا غرب را مجاب کند که فکر عضویت اوکراین در ناتو را از سر بیرون کند.

روزنه

«ارتش بزرگ» افغانستان با تجهیزات آمریکایی

● یک مقام ارشد طالبان گفت که این گروه درحال ایجاد «ارتش بزرگی» در افغانستان است که افسران و سربازان نظام پیشین را نیز در برمی‌گیرد. به گزارش ایسنا، به نقل از خبرگزاری فرانسه، لطیف‌الله حکیمی، از مقامات ارتشد در وزارت دفاع طالبان، در نشست رسانه‌ای با اعلام این خبر افزود که طالبان نیمی از ۸۱ بالگرد و هواپیمای به جامانده از زمان حضور نیروهای آمریکایی را که از کار افتاده قلمداد می‌شدند، تعمیر و راه‌اندازی کرده‌اند. او گفت، طالبان در پی خروج نیروهای آمریکایی به بیش از ۳۰۰ هزار اسلحه سبک، ۲۶ هزار سلاح سنگین و نزدیک به ۶۱ هزار خودرو نظامی دست یافت. با تسخیر کابل به دست طالبان و خروج نیروهای آمریکایی در ۳۱ آگوست ۲۰۲۱، ارتش ملی افغانستان فروپاشید و بسیاری از سلاح‌ها و تجهیزات آن، در پایگاه‌های متروک رها شد. طالبان مقام‌های مرتبط با نظام پیشین را مشمول عفو عمومی اعلام کردند اما بیشتر مقام‌های دولتی و افسران عالی‌رتبه نظامی، در میان بیش از ۱۲۰هزار نفری بودند که در روزهای پایانی حضور آمریکا در افغانستان، از آن کشور تخلیه شدند. به نوشته ایندپندنت، بسیاری از کاردارهای ارتش افغانستان نیز به زندگی غیرنظامی بازگشتند و از انتقام‌جویی طالبان نگران‌اند. سازمان ملل متحد ماه گذشته اعلام کرد که بیش از صد نفر از نظامیان پیشین آن کشور، تاکنون به قتل رسیده‌اند. بااین‌حال، لطیف‌الله حکیمی با تأکید بر کارایی «عفو عمومی» طالبان، گفت: «ما کم عفو عمومی صادر نکرده بودیم، وضعیت بسیاری بدی را شاهد بودیم».